

انترناسیونال

۱۱



دوره دوم
اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

جمعه، ۷ فروردین ۱۳۸۳
۲۶ مارس ۲۰۰۴

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

www.m-hekmat.com

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

به تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید
کمک کنید
صفحه ۴

انترناسیونال میپرسد
... آیا اساس کمونیسم مذهب زدائی است؟ ...
صفحه ۴

انقلاب در راه است، حزب موجود است، کارگران باید متشکل شوند!

مصاحبه با فاتح بهرامی درمورد
قطعنامه درباره طبقه کارگر و قدرت سیاسی

قطعنامه طبقه کارگر و قدرت سیاسی یکی از قطعنامه های کنگره چهارم است که کنگره کلیات آنرا تصویب کرد و برای وارد کردن اصلاحاتی به کمیته مرکزی حزب سپرد. پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب پس از تصویب یک اصلاحیه پیشنهادی به بند ۸، کل قطعنامه را به اتفاق آرا تصویب کرد. متن این قطعنامه در انترناسیونال شماره ۹ منتشر شده است.

مردم و رهبری انقلاب توسط حزب کمونیست کارگری حرف میزند. مساله اینست که ایران در آستانه یک تحول سیاسی بزرگ قرار دارد، و توده وسیع مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی به میدان آمده اند و خواهان آزادی و برابری و رفاه هستند. تنفر و انزجار روز افزون مردم ایران از جمهوری اسلامی را دیگر خود رژیم هم نمیتواند انکار کند، هر روز آنرا در چهار گوشه ایران از طریق اشکال مختلف اعتراض در

مردم و رهبری انقلاب توسط حزب کمونیست کارگری حرف میزند. مساله اینست که ایران در آستانه یک تحول سیاسی بزرگ قرار دارد، و توده وسیع مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی به میدان آمده اند و خواهان آزادی و برابری و رفاه هستند. تنفر و انزجار روز افزون مردم ایران از جمهوری اسلامی را دیگر خود رژیم هم نمیتواند انکار کند، هر روز آنرا در چهار گوشه ایران از طریق اشکال مختلف اعتراض در

فاتح بهرامی: قطعنامه "طبقه کارگر و قدرت سیاسی" اساسا درباره نقش حزب و طبقه کارگر در تحولات و انقلاب پیش رو در ایران و آمادگی طبقه کارگر برای ایفای نقشی تاریخساز در به پیروزی رساندن کمونیسم کارگری است. این قطعنامه بنوعی مکمل قطعنامه دیگر کنگره درباره "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران" است که در آن از سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلابی



شهاب دانشفر: قطعنامه طبقه کارگر و قدرت سیاسی اساسا بر چه نکته ای تاکید دارد و جهت گیری اصلی آن چیست؟

ستون اول حمید تقوایی

ما، مردم و
ناسیونالیسم کرد

حضور مجید حسینی و عبدالله دارابی در میوان و استقبال گرم و پر شور مردم از آنان یکبار دیگر به همگان نشان داد که حزب ما از چه پایگاه و نفوذ و محبوبیت وسیعی در میان مردم کردستان برخوردار است. انجام چنین پروژه ای در شرایطی که بساط سرکوب و اختناق جمهوری اسلامی هنوز پهن است، و مشخصا علیرغم اینکه رژیم حضور ما در شهر را حدس میزند و خود را برای مقابله با ما آماده کرده بود، بدون محبوبیت توده ای و حمایت و همکاری وسیع مردم ممکن نبود. این واقعیت نه تنها نشاندهنده ضعف و زبونی جمهوری اسلامی در برابر قدرت همبسته مردم و حزب کمونیست کارگری است، بلکه همچنین نشاندهنده دوری و بی ربطی ناسیونالیسم کرد به آمال و خواستهای انسانی و سیاسی توده مردم در کردستان نیز هست. و این نکته قابل تاملی است.

نیروهای ناسیونالیست کرد از حزب دمکرات گرفته تا قوم پرستان افراطی تازه بدوران رسیده همیشه سعی داشته اند چنین وانمود کنند که مساله اساسی در کردستان مساله ملی است و عرصه سیاست در کردستان ملک طلق ناسیونالیستهاست. ما در مقابل همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم که مساله مردم کردستان مساله همه مردم ایران است، و راه رهایی آنان نیز یکی است. مردم از دیکتاتوری و نابرابری به فغان آمده اند و آزادی و برابری میخواهند. کارگران، زنان، و جوانان در شهرهای کردستان، همانند بقیه مناطق ایران، سلطه مذهب بر زندگی خود را نمیخواهند، برده و

صفحه ۴

۱۵۰۰ کارگر اخراجی سد کارون ۳ نباید تنها بمانند!

نزدیکی شهر ایذه حکم اخراج گرفتند. در حال حاضر ۸۰۰ نفر از آنها کار را ترک و بقیه در ۸ فروردین باید بروند. در این کارگاه ۳۰۰۰ کارگر مشغول به کار بودند و ۱۵۰۰ کارگر باقیمانده این شرکت در اواسط امسال، در ماه های خرداد و مهر قرار است اخراج شوند.

مساله این است که شرکت سایبر که سازنده این سد میباشد، در ۱۰ سال گذشته کار این کارگران را صاحب بوده و اکنون با اتمام کار، خیلی ساده و بدون اینکه حق و

مساله این است که شرکت سایبر که سازنده این سد میباشد، در ۱۰ سال گذشته کار این کارگران را صاحب بوده و اکنون با اتمام کار، خیلی ساده و بدون اینکه حق و

اسد گلچینی



در روزهای ۲۶ تا ۲۸ اسفند ۸۲، ۱۵۰۰ کارگر سد کارون ۳ در

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۳



جمهوری اسلامی را میگیرد. نحوه زندگی و آینده دهها میلیون انسان بعد از جمهوری اسلامی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی یک سوال جدی است و به تک تک مردم آن جامعه مربوط است. استعمار انسانها، فقر و فلاکت شدید اقتصادی، بیکاری، زن ستیزی و کودک آزاری، حاکمیت سیاه مذهب و جهل و خرافه، رواج اعتیاد و فحشا، و سرکوب ابتدائی ترین آزادیهای فردی و اجتماعی در کنار اعدام و زندان و شکنجه گوشه هائی از نتایج حاکمیت جمهوری اسلامی است و مردم میخواهند از همه اینها رها بشوند. بطور خلاصه آزادی و برابری و رفاه انسانها خواست توده میلیونی بجان آمده است و تحقق اینها فقط در گرو پیروزی کمونیسم کارگری و برقراری یک جامعه سوسیالیستی است. بنابراین بریائی یک جامعه آزاد و برابر یعنی برقراری یک جمهوری سوسیالیستی هدف انقلابی است که باید با رهبری حزب کمونیست کارگری به پیروزی برسد، و اینجاست که نقش طبقه کارگر برجسته میشود. اما پیروزی کمونیسم کارگری در درجه اول منوط به این است که طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و با پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد. بهمین دلیل حزب کمونیست کارگری، بعنوان حزب طبقه کارگر، برای پیروز شدن هدف این انقلاب باید بتواند موافقی که بر سر راه طبقه کارگر وجود دارد را از بین ببرد. قطعنامه به نکاتی در این متن میپردازد و به وظایف حزب و طبقه کارگر در جدال برای پیروزی کمونیسم کارگری نکاتی را مطرح میکند.

شهلا دانشفر: در بند اول این قطعنامه به سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب توده ای و به فراهم بودن فرصتی تاریخی برای طبقه کارگر و کمونیسم کارگری برای ایجاد سوسیالیسم اشاره دارد؟ توضیح شما در این مورد چیست؟

فاتح بهرامی: دربارہ سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب قبلاً باندازه کافی بحث کرده ایم، بویژه این نکته در قطعنامه کنگره چهارم درباره "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران" و مصاحبه حمید تقوایی در این مورد در انترناسیونال هفتگی مفصلاً توضیح داده شده است. در اینجا به فرصت تاریخی برای طبقه کارگر و کمونیسم کارگری برای برقراری سوسیالیسم اشاره ای میکنم. این فرصت تاریخی در نهایت و اساساً مربوط است به وجود حزب کمونیست کارگری و در نتیجه امکانی که برای نقش بازی کردن کمونیسم در عرصه

سیاست ایران فراهم آمده است. قبلاً یک حزب کمونیستی کارگری که بنمایندگی از طبقه کارگر بتواند در صحنه سیاسی و در سطح اجتماعی نقش بازی کند وجود نداشته است، نه در جریان انقلاب ۵۷ و نه قبل از آن. در دوره ای حزب توده بر و بیا و نفوذ داشت اما حزب توده حزبی متعلق به اقشار دارای جامعه بود، کمونیست نبود و امیال و خواست طبقه کارگر را نمایندگی نمیکرد. در انقلاب ۵۷ هم همینطور، چریک فدائی و سازمانهای خط ۳ با نفوذ زیاد حضور دارند اما ربطی به کمونیسم و طبقه کارگر ندارند. در انقلاب ۵۷ کارگر بطور وسیعی به میدان آمد و در صحنه سیاست نقش بازی کرد و اعتصاب کارگر نفت کمر رژیم شاه را شکست و به رهبر سرسخت بلبل شد اما کمونیسم پیروز نشد و نمیتوانست پیروز بشود چون حزب طبقه کارگر وجود نداشت و در نتیجه سیاستهای اپوزیسیون بورژوازی همچنان بر فضای سیاسی ایران غلبه پیدا کرد و در نهایت اپوزیسیون سنتی ایران مترجم ترین جناح خود را سر کار آورد و جمهوری اسلامی بقدرت رسید و سپس انقلاب را اسلامی کرد و آنرا بخون کشید. بنابراین وقتی به انقلاب ۵۷ دقت کنیم میبینیم که کارگر در آن انقلاب حضور دارد ولی کمونیسم نه، و قطب بندی طبقاتی هم در سطح جامعه آفند روشن و شفاف نیست که کمونیسم و حزب کمونیستی کارگری بتواند عروج کند و بازیگر صحنه سیاست بشود.

امروز اما وضع متفاوت است. از طرفی جمهوری اسلامی نه به لحاظ اقتصادی و نه سیاسی قادر به ادامه حیات ننگینش نیست و از طرف دیگر حرکت مردم بخصوص در یکسال اخیر به سرنگونی رژیم به شیوه انقلابی تاکید میکند. اما در شرایط انقلابی چپ و راست جامعه و احزاب آنها در مقابل هم صف میکشند تا مساله فیصله یافتن قدرت سیاسی را جواب دهند. و واضح است که چپ جامعه، بشرط اینکه در چهره حزب کمونیست کارگری قدرت و اراده به قدرت رسیدن را ببیند پشت سر آن سنگر میگیرد. حتی در انقلاب ۵۷ میبینیم که فدائی و بیکار در یک دوره کوتاه پس از آزاد شدن فعالینشان از زندان به سازمانهای بزرگی بدل میشوند و طیف وسیعی از مردم از آنها پشتیبانی میکنند چون سازمانهای چپ آن دوره بودند. جامعه در دوره تحول انقلابی بین چپ و راست انتخاب میکند و امروز نماینده چپ و کمونیسم در ایران حزب کمونیست کارگری است و به این نکته هم باید توجه داشت که حزب کمونیست کارگری مثل سازمانهای چپ انقلاب ۵۷ نیست که همراه انقلاب پا به عرصه وجود بگذارد. علاوه بر اهداف و نظرات و سیاستهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه حزب

کمونیست کارگری، این حزب در شکل دادن به این انقلاب، در ایجاد تغییر در زندگی مردم هر جا که امکانش را داشته است، در معنی کردن آزادی و برابری انسانها و دفاع از حقوق و انسانیت مردم، و در جهت دادن به مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی نقش ایفا کرده است و امروز یک حزب قدرتمند در صحنه سیاسی ایران است. و این باعث میشود که امروز کمونیسم برای به پیروزی رسیدن در ایران شانس پیدا کند و همین جنبه است که در قطعنامه بعنوان فراهم شدن یک فرصت تاریخی برای کمونیسم و طبقه کارگر برای برقراری سوسیالیسم مورد تاکید قرار میگردد.

شهلا دانشفر: بند سوم قطعنامه به پیش شرط های لازم برای پیروزی کمونیسم کارگری در جدال تاریخساز کنونی اشاره میکند، این پیش شرطها و دلایل آن چیست؟

فاتح بهرامی: در قطعنامه، به میدان آمدن طبقه کارگر در عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی و متحد بودن و متشکل بودن کارگران و اتکای رهبران عملی مبارزات کارگری به حزب و سیاستهای آن بعنوان مهمترین پیش شرط برای پیروزی کمونیسم کارگری در جدال بر سر قدرت سیاسی اشاره میشود. اگر در جدال بر سر قدرت سیاسی قرار است تکلیف سرمایه در ایران یکسره شود، و اگر این انقلابی است که قرار است پیروزی آن منجر به برچیده شدن نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم در ایران بشود، آنگاه طبقه کارگر ستون فقرات این انقلاب است. سرنگونی جمهوری اسلامی لزوماً مترادف با پیروزی کمونیسم نیست، این پیروزی را حزب کمونیست کارگری و طبقه کارگر باید متحقق و تضمین کند و بهمین دلیل است که قطعنامه پیروزی کمونیسم کارگری را منوط به میدان آمدن طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی در جدال بر سر قدرت سیاسی میکند. اما به میدان آمدن طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی هم بمعنی اعمال قدرت طبقه کارگر با تمام هیبتش است و هم با شعار و خواست سوسیالیستی یعنی نفی قدرت سرمایه. این اعمال قدرت بدون متشکل بودن کارگران ممکن نیست. طبقه کارگر غیر متشکل قدرت ندارد. بلند کردن پرچم سوسیالیستی هم باعتبار وجود حزب کمونیست کارگری امکانپذیر است. برای همین بند سوم قطعنامه به اتکای رهبران عملی کارگری به حزب و سیاستهای آن تاکید میکند. هر دو جنبه ای که بعنوان شرط پیروزی اشاره میشوند ضروری است. کارگر متشکل بدون کوبیده شدن پرچم سوسیالیستی بر مبارزه اش نمیتواند از چهارچوب سرمایه داری خارج شود.

بالا تر به حضور قدرتمند کارگر در انقلاب ۵۷ اشاره کردم که بدلیل عدم وجود یک حزب کمونیستی کارگری و در نتیجه نمایندگی نشدن کمونیسم در جامعه انقلاب شکست خورد و کارگر دیواره اسیر سرمایه شد. نمونه دیگر کشورهای غربی است. امروز در کشورهای غربی میبینیم که علیرغم متشکل بودن کارگران در اتحادیه های قدرتمند و سراسری، چون افق سندیکالیستی بر جنبش کارگری حاکم است، نه تنها مبارزه کارگر از چهارچوب مناسبات سرمایه داری فراتر نمرود بلکه حتی بدلیل ناتوانی سندیکاها و اتحادیه های کارگری امکان دستیابی به مطالبات اقتصادی کارگران به حداقل رسیده است و این تشکلهای کارگری نمیتوانند از حقوق کارگران دفاع کنند. از اینروست که نکته مهم دیگر قطعنامه تاکید به اتکای رهبران عملی کارگری به حزب و سیاستهای آن است. رهبران عملی کسانی هستند که نبض مبارزه توده کارگر در ایران را در دست دارند و آنان را به تحرک و اعتصاب و مبارزه میکشانند. سیاستها و اهداف حزب لازم است در ابعاد وسیع به درون طبقه کارگر منتقل شود و این نقش کارگران کمونیست و رهبران عملی طبقه کارگر را برجسته میکند.

شهلا دانشفر: بند چهارم قطعنامه به امکان حضور مستقل طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی در یک انقلاب همگانی اشاره دارد، شما چه توضیحی برای آن دارید و کلاً رابطه حزب و طبقه را چه میبینید؟

فاتح بهرامی: بالاتر اشاره کردم که دلیل امکان حضور مستقل طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی نتیجه وجود حزب کمونیست کارگری است. حزب کمونیست کارگری در واقع محصول عروج کارگر در انقلاب ۵۷ و یک جنبش حزبی متکی به ایده های مارکس و لنین و منصور حکمت است، متکی به یک نگرش رادیکال و دخالتگر در صحنه سیاسی ایران است که ۲۵ سال تلاش برای سازماندهی یک پراپتک کمونیستی در متن یک جدال اجتماعی پشتوانه آن است. از اینرو وجود حزب کمونیست کارگری یک نقطه قدرت مهم برای طبقه کارگر ایران است. نقطه قدرتی که قبلاً و در انقلاب ۵۷ از آن بی بهره بود. امروز طبقه کارگر حزیش را دارد و همین امکان حضور مستقلاً را در برابر گرایشات و احزاب بورژوازی در صحنه سیاسی تامین میکند و آنرا در مقابل آنها مصون میکند.

دریاب رابطه حزب و طبقه ابتدا این را اشاره کنم که جامعه از طبقات اجتماعی ای تشکیل شده که دانما در جدال و کشمکش هستند، مبارزه طبقاتی مبارزه و جدالی دائمی بین خود

این طبقات است. انسانها در مکانهای تولیدی مختلفی مقابل هم قرار میگیرند که منافع متضادی دارند و همین دلیل این کشمکشها و جدالهاست. در متن همین مبارزه طبقاتی است که احزاب سیاسی بوجود میآیند. این احزاب ظرفی میشوند برای دخالت انسانهای یک طبقه در جهت تعیین تکلیف روندهای تاریخی و تلاش میکنند تا نیروی طبقه ای را که به آن متعلق است گردآوری و بسیج کنند و سپس به ظرف عمل سیاسی طبقه خود تبدیل میشوند. در جامعه سرمایه داری یک طرف کشمکش طبقه کارگر و طرف دیگر طبقه سرمایه دار است. اما در میان احزاب هر طبقه و قبل از وجود احزاب سنت ها و گرایشات سیاسی ای وجود دارد که مقدم بر وجود احزاب است و هر کدام از این احزاب به یکی از این سنتها و گرایشات وصل است. در طبقه کارگر هم یک گرایش و سنت اعتراضی وجود دارد که حامل کل آرمان و افق کارگری برای تغییر جامعه است. کمونیسم کارگری آن بخش از جنبش طبقه کارگر است که منافع و آرمان کل طبقه را در مبارزه علیه بورژوازی نمایندگی میکند. بنابراین رابطه حزب و طبقه بمعنی رابطه گرایش کمونیستی درون طبقه کارگر با کل طبقه است. باین معنی که حزب کمونیست کارگری حزب گرایش کمونیستی درون طبقه کارگر است که نقدی بنیادی به نظام سرمایه داری دارد و برای متحد کردن و هدایت کردن کل طبقه کارگر در جهت برچیدن نظام سرمایه داری تلاش میکند.

شهلا دانشفر: واقعیت اینست که تشکیلاتی کارگران امروز یک حلقه کلیدی در پیشروی جنبش اعتراضی کارگران است و در این قطعنامه بردست تاکیدات مکرری بر روی آن میشود، اما سوال اینست که تشکلهای توده ای چه جایگاهی در جدال طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی دارد؟

فاتح بهرامی: حتی در شرایطی که مساله کسب قدرت سیاسی نباشد متشکل بودن کارگران اهمیت جدی دارد برای اینکه کارگر بتواند از حقوقش دفاع کند و تعرض سرمایه و حکومت آنرا به خود و معیشتش مهار و کنترل کند. کارگر منفرد و بدون تشکل مانند سرمایه دار نیست که هر کاری خواست بکند. تنها دارائی کارگر نیروی کارش است که اگر نتواند آنرا بفروشد از گرسنگی میمیرد. اما در مقابل تشکل به کارگر یک قدرت جمعی میدهد که میتواند سرمایه و حکومت آنرا به زانو درآورد. موقعیت کارگر در عرصه تولید طوری است که اگر کارگر متحد و متشکل باشد میتواند از طریق خواباندن تولید شاهرگ حیات سرمایه



از صفحه ۱ تا ۱۵۰۰ کارگر اخراجی ...

شرکت ها دچار خواهد شد و درگیری و بیکاری برای کارگران و خانواده هایشان اولین عوارض آن است. کارگران گفته اند که اگر کارفرما همه حق و حقوق آنها را نپردازد کارگاه را اشغال خواهند کرد.

اگر کارگران از همدیگر حمایت کنند و اگر به حمایت خود در ابعادی بسیار بزرگتر از آنچه تاکنون شده است ادامه بدهند کارگران و خانواده هایشان تنها نخواهند ماند. مشکل کارگران سد کارون مشکل طبقه کارگر است. مشکل همه معلمان و دانشجویمان و زنان و مردم ستمدیده ایست که ۲۵ سال است معنای این خانه خرابی ها و اجحافات و حقه بازی ها را میدانند، مساله ۳۰۰۰ کارگر سد کارون مساله همه ماست. سرمایه داران کثیف و دولت دزد و جنایتکارشان و حاکمان مفتخور و زالو صفت را باید به زیر کشید، باید از حلقومشان حق را بیرون آورد. در این کارزار بزرگ کارگران سد کارون را تنها نگذاریم. خانواده های کارگران، چه آنهایی که اخراج شده اند و چه بقیه که بزودی اخراج میشوند، نقش مهمی در اعتراض به این وضعیت دارند و در قدم اول همه شهر ایده پشتیبان آنها خواهند بود. طومار اعتراضی که هزاران نفر آنرا امضا کرده باشد از جمله کارهایی است که باید در حمایت آنها در همه جا صورت بگیرد. اخبار را به روزنامه ها بدهیم منعکس کنند. هر جا ممکن است این خبر را منعکس کنیم. پیام های حمایتی از هر طرف برای این کارگران و مبارزاتی که دارند بدهیم، رژیم و شرکت سایبر باید در سنگنه و محاصره ما قرار بگیرد.

اداره کار خراب شده! و مزدور شرکت سایبر (که ماه گذشته در تظاهرات های ایده به آتش کشیده شد) و جعفری جلا و فرماندار مزدور و همه کاسه لیسان اینها، در فدای اخراج کارگران و پا به فرار گذاشتن مدیران شرکت و خارج کردن همه امکاناتشان از منطقه باز هم حامی کارفرما و دولت هستند. کارگران سد ایده با این آگاهی و بردستی تصمیم گرفته اند، که اگر همه حقوق و طلب هایشان پرداخت نشود میروند و کارگاه را خواهند بست و اجازه نخواهند داد کاری صورت بگیرد. این جواب در خوری است که باید داده شود. حزب کمونیست کارگری ایران با همه توان خود همراه کارگران است. در این کارزار کارگران سد کارون ۳ خانواده هایشان را در مقابل لشکر سرمایه داران و رژیم کثیف اسلامی نباید تنها گذاشت. *

جریان بود و بالاخره کارگران موفق شدند که استخدام خود را تا ۳ سال بعد تمدید کنند. در طول این ۳ سال این کشمکش در سراسر کارگاه های سد و در بخشهای زیرزمینی، رو باز، ژئوتکنیک و... ادامه داشته است، مساله تعویق حقوق ها همواره یک مساله محوری بوده که کارگران بارها برای گرفتن آن دست به تحصن و اعتصاب زدند. مساله ایمنی کار و در واقع ناامنی محیط کار همیشه مورد اعتراض شدید کارگران بوده است. راستش این کارگاه سد سازی بیشتر به یک گشتارگاه شبیه بوده و لازم است خوانندگان بدانند که در این شرکت در طول این ۱۰ سال تاکنون بیش از ۵۰ نفر در اثر سوانح ناشی از عدم برخورداری از حداقل ایمنی کار کشته شده اند، و بیش از ۱۵۰ نفر نقص عضو پیدا کردند و بیکار در گوشه خانه و خیابان افتاده اند، و بسیاری از کارگران زخمی شدند که بقولی این زخمی شدن ها امری روزانه است.

در حال حاضر ۱۵۰۰ اخراج و روانه کردن آنها بدون اتمام حق و حساب و اخراج ۱۵۰۰ کارگر دیگر به همین شیوه و با ارزاترین و حقه بازانه ترین شیوه و روش، کاری است که در دستور است. نه تاملین کافی زندگی دوران بیکاری که بلافاصله بعد از اخراج و اتمام کار باید از طرف کارفرما به نسبت هر چند سالی که کارگر کار کرده است و نه بسمه بیکاری مکفی، هیچکدام در نظر نیست.

آیا کارگران اخراج شده میتوانند همه درخواستی و طلب خود را که شامل حقوق های معوقه، کارانه، اضافه کاری و همه خساراتی که بر کارگران و خانواده های آنها وارد شده را بگیرند؟ آیا موفق خواهند شد که همه خانواده هایشان و همه مردم قهرمان ایده و شهرهای دیگر و کارخانه و کارگاه های دیگر را به حمایت از خود جلب کنند؟ آیا ما اجازه خواهیم داد اینگونه مدیران سر به بیت خامنه ای که در راس کارگاه سد کارون ۳ هستند لشکر آماده شده را بر علیه کارگران به میدان بکشانند؟ آیا نباید همه قدرت و توانی که داریم، نیروی عظیمی که بر علیه این رژیم هر روزه و در مناسبتهای مختلف در محل کار و زندگی درگیر بوده است، را بر علیه این تصمیم بسیج کنیم؟ مساله این است که کارگران باید همان فردای ۸ فورردین که اخراجشان قطعی میشود تسویه حساب کرده باشند، در غیر این صورت این شرکت و طلب کارگران هم به سرنوشت دیگر

میسازد. از طرف دیگر ایجاد حوزه ها و سازمانهای حزبی در محیط های زیست و کار کارگران شرایط را برای فعالیت کارگران کمونیست و رهبران عملی برای اتخاذ سیاستهای درست و اتکا به حزب بوجود میآورد و همچنین امکان گسترده تر شدن نفوذ حزب در میان کارگران را باعث میشود. بهر درجه ای که این امر پیش برود و نفوذ حزب در میان توده کارگران گسترده شود، جنبش اعتراضی طبقه کارگر نه تنها در شرایط فعلی گامهای جدی بردارد و به متحقق شدن مطالبات جاری کارگران کمک میکند، بلکه طبقه کارگر را برای ورود به شرایطی که نقش اساسی و تاریخسازش را ایفا کند نزدیک تر میکند. و بالاخره در این متن به مساله جدی ابراز وجود علنی رهبران عملی با هویت اجتماعی و طبقاتی کارگران اشاره کرد. هر چه تعداد بیشتری از رهبران کارگری در سطح جامعه بطور علنی ابراز وجود کنند، به گسترش همبستگی کارگری و به حمایت دیگر اقشار جامعه از کارگران، به سریعتر متحول شدن کارگران و به سراسری شدن مبارزات کارگری یاری میرساند و بیرون آمدن از وضعیت تدافعی فعلی را تسریع میکند.

شهاد دانشفور: در این قطعنامه سه مولفه حزب کمونیست کارگری، طبقه کارگر و کسب قدرت سیاسی در ارتباط با هم بیان شده است، این رابطه را شما چگونه توضیح میدهید؟

فاتح بهرامی: حزب، طبقه کارگر و قدرت سیاسی سه محور اساسی در انقلابی است که نتیجه آن باید به پیروزی کمونیسم کارگری منجر شود. برای حزب ما که میخواهد انقلابی را رهبری کند که رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند و جمهوری سوسیالیستی را برقرار کند هر سه جنبه حیاتی است و هیچکدام یا هیچ دو تائی بتنهائی جواب نمیدهد. برای یک جریان بورژوازی مانند سلطنت طلبان موضوع اینطور نیست. راه بقدرت رسیدن آنها انقلاب نیست بلکه کودتا، بند و بست از بالا و اتکا به آمریکا است. بنابراین برای آنها طبقه کارگر بجای خود که حتی به اسمش هم حساسیت دارند و خطر جدی در مقابلشان است، بلکه به حزب هم نیازی ندارند. قرار نیست کسی را در جامعه بسیج کنند و از پائین چیزی را تغییر بدهند. برای ما قضیه برعکس است و بالاتر به اهمیت حزب و طبقه کارگر اشاره کردم. ما راهی بجز انقلاب برای سرنگونی رژیم و کسب قدرت سیاسی بقدرت خود و طبقه کارگر و توده مردم آزادخواه نداریم. تحقق شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" به هر سه فاکتور نیازمند است. انقلاب در راه است، حزب موجود است، کارگران باید متحول شوند. *

واداشته است که در حالت نرمال کارگر نباید مشغول آن باشد و برایش جانی بکند. اما جایگاه مبارزات جاری کارگران در اوضاع سیاسی ایران واضح است که از اهمیت جدی برخوردار است. اولاً این فضای اعتراضی در جامعه را حفظ کرده است. میتوان گفت که حتی قبل از دوره خرداد ۷۶ که مردم در سطح وسیعی پا به عرصه مبارزه علیه رژیم بگذارند مبارزات کارگری روی فضای اعتراضی جامعه تاثیر خیلی مهم داشت. ثانیاً باید تاکید کرد که همین مبارزات جاری کارگری دارد اشکال وسیعتر و تعرضی تر بخود میگردد و نشانه هائی از تحرك های جدی تر کارگری را نوید میدهد. مبارزات کارگران بهشهر، پتروشیمی، اعتراضات دیگر بخش های کارگری از کارگران خاتون آباد و گسترده تر شدن برگزاری مجامع عمومی، هماهنگی اعتراضات مشترک در پتروشیمی و برخی نساجیها و امثال اینها از این جمله هستند. فتوای خامنه ای خود نشانه ای بارز از وحشت رژیم از گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری است. هر مبارزه کارگری باید با حمایت بخش های دیگر کارگران و حمایت وسیع دانشجویان و مردم آزادخواه جامعه قرار بگیرد که به امر قدرتمند تر شدن مبارزات کارگری بتواند یاری برساند.

شهاد دانشفور: قطعنامه همچنین بر روی تشکیلی کارگران و سازمانیابی حزبی، بعنوان راه برون رفت از موقعیت تدافعی کنونی طبقه کارگر تاکید ویژه ای دارد، توضیح شما در این مورد چیست و کلا جنبش اعتراضی طبقه کارگری در چه صورتی شکلی تعرضی بخود میگردد؟

فاتح بهرامی: برای عبور از این موقعیت تدافعی قطعنامه در درجه اول به متحول شدن کارگران تاکید میکند و نکات مهم دیگری را هم پشت سر گذاشتن وضعیت فعلی اشاره میکند که عبارتند از گسترش دامنه عمل و نفوذ شبکه کارگران کمونیست و رهبران کمونیست کارگران، ظاهر شدن این رهبران بعنوان رهبران علنی و با هویت اجتماعی، سیاسی و طبقاتی کارگران، ایجاد و گسترش سازمان حزب در محیط کار و زیست طبقه کارگر و دامن زدن به جنبش مجمع عمومی. مساله اینست که امروز از وجود مبارزات کارگری کم نداریم، هر روز در چهار گوشه ایران کارگران مشغول مبارزه هستند. اما اگر از یک طرف جنبش مجمع عمومی در سطح وسیع و گسترده راه بیفتد امکان بهم بافته شدن این مبارزات بیشتر فراهم میشود و این موجب قوی شدن موقعیت کارگران میشود و شرایط اعتصابات گسترده و همبسته و تعرضی کارگری را برای وادار کردن رژیم به عقب نشینی ممکن

را قطع کند و این يك تفاوت اساسی قدرت کارگر در جامعه سرمایه داری با اقشار اجتماعی دیگر است که از چنین امکانی برخوردار نیستند، در نتیجه نقش کارگر متشکلی که به حرکت در بیاد زیرو کننده است. همین توان نقش برجسته کارگر را در زمانی که تعیین تکلیف قدرت سیاسی به مساله جامعه تبدیل میشود را نشان میدهد. کسب قدرت سیاسی در درجه اول یعنی سرنگونی يك حکومت و سپس گرفتن قدرت سیاسی بدست خود و واضح است که کارگر فقط وقتی متشکل باشد میتواند قدرتش را در جریان کسب قدرت سیاسی اعمال کند. اما ممکن هنوز سوال این باشد که حزب ما با اتکا به نیروی خود میتواند قدرت سیاسی را تصرف کند و در اینصورت نقش کارگر متشکل چیست؟ در اینصورت دو نکته را باید تاکید کرد. اولاً طبقه کارگر خود جزو نیروی حزب است. اما اگر حتی شرایطی را فرض کنیم که بدون دخالت کارگر متشکل بشود رژیم را سرنگون کرد و حزب قدرت سیاسی را تصرف کند آنوقت دیگر بدون حضور قدرتمند کارگر نمیشود از پیروزی کمونیسم حرف زد و سوسیالیسم را برقرار کرد. هدف ما کسب قدرت سیاسی و پیروز شدن کمونیسم کارگری هر دو است و بنابراین نقش حضور طبقه کارگر و متشکل بودن او در حزب و در تشکلهای توده ایش حیاتی و ضروری است.

شهاد دانشفور: در بند ۷ به رانده شدن طبقه کارگر به موقعیتی تدافعی اشاره شده است، با توجه به این نکته، مبارزات امروز کارگران چه جایگاهی در روند اوضاع سیاسی ایران دارد؟

فاتح بهرامی: موقعیت تدافعی کارگران به عدم مبارزات کارگری اشاره ندارد. نه در چند سال اخیر بلکه از ابتدای سر کار آمدن حکومت اسلامی طبقه کارگر مشغول مبارزه است و در چند سال اخیر هم دامنه آن بسیار گسترده تر شده است. موقعیت تدافعی طبقه کارگر در واقع به این اشاره دارد که بخش مهمی از مبارزات کارگری در چند سال اخیر در چهارچوب مبارزه برای گرفتن دستمزدهای معوقه و اعتراض به بیکارسازیهای بوده است. هر دوی اینها تهاجمی به حقوق و معیشت کارگران است. نپرداختن دستمزد که دیگر جزو موارد نادری است که در یک کشور سرمایه داری اتفاق میافتد، کارگر قرار است کار کند و دولت و کارفرما از پرداخت دستمزد ناچیزی که خودشان تعیین کرده اند به بهانه های مختلف امتناع میکنند. رژیم اسلامی علاوه بر بیست و پنج سال سرکوب وحشیانه بار بحران اقتصادی اش را بدوش کارگران میاندازد و کارگر را به اعتراضی

انترناسیونال می‌رسد

در این ستون چند سوال از میان سولاتی که به انترناسیونال می‌رسد از مسئولین حزبی پرسیده میشوند. خوانندگان گرامی میتوانند پرسش‌های خود از حزب را از طریق فکس یا ای میل انترناسیونال با ما در میان بگذارند.

سوال (رضا آزاد از تهران):

اید در برنامه یک دنیای بهتر آزادی داشتن هر نوع مذهب را در کنار بی مذهبی برسمیت شناخته ایم. اما مذهب در جامعه و در حکومت دیگر نامش اعتقادات شخصی نیست، اسلام سیاسی و ابزار کشتار و ترور و سرکوب زن و جوان و کارگر ومعلم و دانشجو و ابزار حفظ استثمار و پایه‌های مالکیت و استثمار و سودآوری سرمایه داری است. ما کمونیستها مذهب نداریم، ما مذهب بعنوان امر خصوصی در موافق نیستیم. عقیده به خدا و باورهای مذهبی با آزادی و رشد و شکوفایی فرد مغایر است، اگر چنین نبود مذهب سیاسی و حکومتی نمیتوانست این چنین جامعه‌ای را به اقتیاد بکشد. اما راه مقابله ما با اعتقادات مذهبی بحث و اقناع است. و جمهوری اسلامی باندازه کافی دلیل و مدرک برای قانع کردن افراد به ییخدایی در اختیار ما قرار داده است. زمانی که ما بقدرت برسیم هر نوع محدودیت و قید و شرط در مورد آزادی عقیده و بیان را لغو خواهیم کرد. این در مورد هر نوع عقیده و مرامی از جمله مذهب نیز صادق است. افراد نه تنها در انتخاب هر نوع مذهبی آزادند، بلکه حق دارند مذهب خود را تبلیغ کنند. هر چه مذهب روشن تر و صریح تر و آزادانه تر خود را بیان کند، نقد و رد آن بهمان درجه سهل تر خواهد بود. *

اید در برنامه یک دنیای بهتر آزادی داشتن هر نوع مذهب را در کنار بی مذهبی برسمیت شناخته ایم. اما مذهب در جامعه و در حکومت دیگر نامش اعتقادات شخصی نیست، اسلام سیاسی و ابزار کشتار و ترور و سرکوب زن و جوان و کارگر ومعلم و دانشجو و ابزار حفظ استثمار و پایه‌های مالکیت و استثمار و سودآوری سرمایه داری است. ما کمونیستها با سلطه سرمایه می‌جنگیم، اما این مبارزه در خلا به پیش نمی‌رود. در ایران جمهوری اسلامی درم شکستن سلطه سرمایه قبل از هر چیز یعنی جارو کردن مذهب از حکومت و جامعه. این ما نیستیم که باید نگران تعصبات مذهبی مردم باشیم، این جمهوری اسلامی است که باید فکری بحال نفرت عمومی مردم از مذهب بکند.

من مطمئنم حتی متعصب ترین افراد مذهبی در ایران، که تعدادشان بسیار کمتر از دوران ما قبل جمهوری اسلامی است و هر روز هم از تعدادشان کاسته میشود، با جمع کردن مذهب از دولت و آموزش و پرورش و قوانین و مقررات و خلاصه تمام ابعاد زندگی اجتماعی که جمهوری اسلامی به مذهب آلوده کرده است با جدایی مذهب از دولت موافق هستند. حکومت مذهبی حتی با آزادی مذهب بعنوان امر خصوصی مغایر و متناقض است. این را بهائی ها و یهودیها و ارامنه و حتی سنی

آیا پافشاری کمونیستها در حال حاضر و با وجود این خفقان در ایران بر روی مذهب زدائی درست است؟ فکر نمیکنیم که فقط برای کمونیست دشمن درست میکنیم؟ آیا از تعصب این مردم بر روی مذهباشان خبر نداریم؟ آیا اساس اولیه کمونیسم مذهب زدائی است؟ مگر کمونیست به کارگر و سرمایه ربطی ندارد؟ پس پافشاری روی مذهب چیست؟ مگر ما در یک دنیای بهتر آزادی مذهب و بی مذهبی نداریم؟ حال اگر بی مذهبی جزء اصلی از ارکان کمونیسم است، اگر حزب بقدرت برسد و حکومت را بدست بگیرد با مذهبی ها چکار میکند؟ اگر قرار است به مذهبی ها احترام بگذاریم پس چرا روی مذهب پافشاری میکنیم.

حمید تقوائی: دوست عزیز این

جمهوری اسلامی است که روی مذهب پافشاری میکند، تا به آنجا که یک جامعه ۷۰ میلیونی را زیر پا له کرده است. و دقیقاً بهمین دلیل، یعنی بدلیل نقش مذهب در سرکوب و اختناق حاکم است که ما کمونیستها بر مذهب زدائی از حکومت و از جامعه تأکید میکنیم. دقت کنید از حکومت و از جامعه و نه بعنوان امر خصوصی مردم. ما مذهب را بعنوان میهناسیم و همانطور که اشاره کرده

از صفحه ۱ ستون اول

فردوست بودن زنان را تحمل نمیکند، به فقر و محرومیت و شکاف عظیم موجود بین فقر و ثروت تن نمیدهند و میخواهند کل این بساط را در هم بریزند.

ناسیونالیسم کرد نه تنها هیچ نزدیکی و سنخیتی با این خواستها و گرایشات رادیکال و حق طلبانه مردم ندارد، بلکه تماماً در مقابل آنست. تنها برخورد چند ساله اخیر احزاب ناسیونالیست در کردستان، نه تنها در ایران بلکه در عراق نیز، به مساله مذهب و مساله زن برای نشان دادن این واقعیت کافی است. رابطه این نیروها با جمهوری اسلامی و نزدیکیشان با دو خرداد مرحوم نیز باندازه کافی گویاست. و بهمین دلایل است که ناسیونالیسم هر روز در میان مردم، بویژه کارگران و جوانان و زنان در کردستان، رسوا تر و منزوی تر میشود.

مردم کردستان در اول ماه مه ها و در هشت مارسها، در جشن آدم برفی دفاع از کودکان و در حمایت و حمایت از زنان، و در حمایت و استقبال پر شورشان از رهبران و کادرهای حزب، این نمایندگان آزادی و برابری وقتی در شهرهای کردستان حضور بهم میرسند، بارها و بارها رویگردانی خود از ناسیونالیسم را اعلام کرده اند و نشان داده اند که خواست و اراده آنها تماماً نقطه مقابل ناسیونالیسم کرد است. هر گردهمایی و تظاهرات و اعتراض و شورش شهری در کردستان که بر علیه حکومت مرکزی و همزمان و هماهنگ با مبارزه مردم در بقیه مناطق ایران صورت میگردد، تعرض قدرتمندی به ناسیونالیسم کرد نیز هست.

ناسیونالیستها مدعی حل مساله ملی و رفع ستم ملی اند، این ظاهراً حوزه تخصصی آنهاست، اما در این حوزه هم راه حل رادیکال و شفاف کمونیسم کارگری است که خواست توده مردم را نمایندگی میکنند. ما اعلام کرده ایم که

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به رادیو تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید

کمک کنید!

اسپانسوری تماس بگیرید.
آدرس
P.O. Box 42300
London
N12 0WY
England.

۳- از تلویزیون کانال جدید برنامه بخرید. شما میتونید با تماس با ما از جزییات خرید برنامه اطلاع حاصل کنید. برای خرید برنامه با تلفن ۰۲۶۵۶۷ ۴۰۲ ۳۱۰ تماس بگیرید.

علی جوادی

۱- ما ماهانه به ۱۰ هزار پوند برای اداره این کانال نیازمندیم. کمکهای مالی خود را به حساب بانکی ما در انگلستان واریز کنید.

شماره حساب در انگلیس
دارنده حساب
WPI

شماره حساب 81 79 47 45
کد بانک 23 24 60

نام بانک Natwest Bank
شعبه Wood Green

۲- به حامیان تلویزیون کانال پیوندید! ما برای